

## اقتصاد بدون نفت "سنگ بزرگ است" برای نژدن ما به "انتفاضه" اقتصادی نیاز داریم

نشر در فصلنامه پیام مدیران شماره ۴۲ - زمستان ۹۴

ویرایش دوم ۲۰ بهمن ۹۴

ضرورت عدم اتکاء به نفت، اقتصاد غیرنفتی و انواع شعارهای دیگر از این گونه، سالهاست که شعار و هدف بیان شده، تقریباً تمام دولت مردان ایران بوده و هست. بدون هیچ تفاوتی در همه آنها، با وجود وابستگی به نظرات مختلف ایدئولوژیک، دولت‌های مختلف و حتی رژیمهای متضاد.

پس چرا هر روز اقتصادمان به نفت وابسته شد و در دولت آخر با تقسیم مستقیم پول نفت به (شکل یارانه) بین مردم به نهایت خود رسید.

آیا دلیل این نیست که این هدف خیلی والا، خیلی تخیلی و خیلی دورست و آنقدر دور که یافتن راه آغاز را حتی از ذهنمان دور نگه می‌دارد، یا بهتر بگوییم حتی فکر کردن به آنرا هم ناممکن می‌سازد؟

راه صحیح رسیدن به یک هدف دور فقط از طریق شناخت اهداف "مرحله به مرحله" و کوچک میان راه ممکن می‌شود و حرکت قدم به قدم به سوی آنها را مسیر می‌گرداند.

کسی که مرتب به رفتن "اورست" فکر می‌کند، امکان ندارد به "اورست" برسد، مگر اینکه قبلاً راه رفتن از جایی که هست، به پایه کوه اورست را مورد مطالعه قرار داده و آنرا برنامه‌ریزی کرده باشد.

مهمترین قدم در راه رسیدن به این هدف (یعنی اقتصاد بدون نفت) اینست که اول دقیقاً بدانیم چقدر کشور و مردم آن به درآمد نفت وابسته‌اند.

### ۱- درجه وابستگی کشور به نفت

قبل از پرداختن به این امر (درجه وابستگی کشور به نفت) نگاهی خواهیم داشت به رابطه نفت و درآمد مردم

#### ۱-۱- درآمد مردم ایران چگونه حاصل می‌شود؟

برای اینکه این امر را دریافت، که از مهمترین مباحثی است که برنامه‌ریزی کلان اقتصادی کشور به آن وابسته است، باید مردم به گروههای مختلفی که به گونه‌های متفاوتی درآمدها را حاصل می‌نمایند، تقسیم کرد و مقدار وابستگی درآمدها را به نفت شناخت.

یک - حقوق بگیران مستقیم دولت

کارکنان دولت، معلم‌ها، نظامی‌ها و غیره، گروهی از مردم هستند که عملاً مستقیم از نفت، حقوق خود را دریافت می‌کنند، (که منبع اصلی درآمد دولت است). آمارهای رسمی نشان می‌دهد که دولت ۴ میلیون حقوق‌بگیر و

۴/۵ میلیون نفر مستمری بگیر بازنشستگی و غیره دارد. که با احتساب (بار تکفل ۲/۸ نفری) با خانوارهایشان ۴۰٪ جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند.

البته این تعداد از شهروندان به خدماتی هم نیاز دارند که تأمین کننده آن خدمات هم غیرمستقیم از همین طریق درآمد خود حاصل می‌کنند، یعنی از درآمد نفت، که بعداً به آنها نیز می‌پردازیم.

#### دوم- منشاء درآمد کشاورزان و دامداران

این اقشار که ۱۷/۵ درصد شاغلان کشور را بخود اختصاص می‌دهند، عمدتاً محصولات غذایی موردنیاز گروه اول (و باقی افراد گروه خود و دیگر گروه‌ها) را تأمین می‌نمایند. که ظاهراً تولیدکنندگان واقعی هستند و درآمدشان نفتی نیست. کمی دقت نشان می‌دهد که این گروه نیز بخشی از درآمدشان را از نفت اخذ می‌کند. یارانه گازوئیل موتورهای چاههای آب آنها، بنزین اتومبیل حمل محصولات و موارد دیگری که یارانه در تولیدشان اثر دارد (مثل سم‌ها و غیره) اگر قطع شود آنها قادر به تولید نیستند.

با این همه هنوز در بسیاری از محصولات باید خرید تضمینی دولتی صورت گیرد، تا بتوانند به تولید ادامه دهند. یعنی بدون رانت‌های نفتی، این تولید هم صورت نمی‌پذیرد.

بگذریم از آسیبی که در بسیاری از نقاط کشور با مصرف آب فراوان تولیدات کشاورزی مخاطرات عمده‌ای به محیط زیست و آینده وارد می‌شود.

۹۰٪ آب کشور در کشاورزی مصرف می‌شود. برای مثال یک کیلوگندم ۱۳۰۰ لیتر<sup>۱</sup> و جو ۱۴۰۰ لیتر مصرف می‌کند. یک عدد گوجه فرنگی ۱۳ لیتر، یک عدد سیب‌زمینی ۲۵ لیتر و یک عدد پرتقال ۵۰ لیتر<sup>۲</sup> که همه این مصارف است که موجب خشک شدن دریاچه‌ها کشور و فرونشست خطرناک آبهای زیرزمینی، نشست زمین و دهها مشکل دیگر می‌شوند، چون بازای ۶۳/۴۵ میلیارد مترمکعب آب ورودی سالیانه حدود ۶۹/۵۵ برداشت انجام می‌شود.

دامداری نیز بهمین نحوه است یک کیلو گوشت گاو پانزده هزار لیتر و مرغ چهار هزار لیتر آب مصرف می‌کنند. البته یارانه‌های سوختی نیز که می‌گیرند و یارانه‌های غیرمستقیم دیگر مورد نیازشان نیز به نفت وابسته است.

#### سوم- منشاء درآمد تولیدکنندگان صنعتی

منشاء درآمد تولیدکنندگان صنعتی وابستگی این بخش به نفت (که ۳۴/۲ درصد مشاغل کشور را بخود اختصاص می‌دهند) دیگر نیاز به توضیح ندارد، فقط با اعمال مرحله اول هدفمند کردن قیمت سوخت ۷۰٪ آنها یا ورشکست شدند و یا در شرف آن قرار گرفتند.

بعلاوه اگر حمایت‌های گمرکی نباشد، حتی با همین یارانه‌ها نیز قادر به رقابت (حتی قیمتی) با محصولات خارجی نبوده و باید تعطیل نمایند.

#### چهارم- ارائه دهندگان خدمات

۱. با فروش ۱۳۰۰ لیتر آب چندین برابر یک کیلو گندم تولید شده می‌توان گندم خرید

۲. مأخذ دنیای اقتصاد گروه بازرگانی ۱۳۳-۸۷۷۶۲۱۳۲-شریعتمدار مشاور عالی وزارت جهاد کشاورزی

البته تمام این افراد به خدماتی نیز مثل خرده‌فروشی و غیره نیاز دارند، که درصد بزرگی از اشتغال کشور (۳/۴۸٪) به خود اختصاص می‌دهد. بنابراین این افراد نیز بطور غیرمستقیم درآمد خود را از نفت حاصل می‌کنند.

- یارانه مستقیم به بیش از ۸۰٪ جمعیت کشور نیز به وابستگی مردم به پول نفت افزوده است و بدین ترتیب ملاحظه می‌شود، که عملاً اکثریت قریب به اتفاق درآمدهای حاصله مردم ایران از فروش نفت حاصل می‌شود و ما تا بن دندان به درآمدهای نفت وابسته‌ایم.

### ۱-۲- مالیات و درآمد نفتی

گفته می‌شود، که مالیات نیز که از منابع درآمدی دولت است، باید جایگزین درآمدهای نفتی شود. همانطور که تشریح شد، درآمد قریب به اتفاق شهروندان کشور از نفت حاصل می‌شود. یعنی در واقع اغلب مردم ایران حقوق بگیر دولتند (مستقیم یا غیرمستقیم) بنابراین مالیات گرفتن از آنها بوسیله دولت در واقع پرداختن مبلغی به مردم و پس گرفتن بخشی از آنست. یعنی اگر درآمد نفتی نباشد کسی درآمدی ندارد که مالیات بدهد. بنظر می‌رسد دستگاه عریض و طویل وزارت دارایی و کارکنانش که مأمورین اخذ مالیات هستند (حتی اگر نخواهیم به اینکه چند درصد آنها در این رابطه به فساد کشیده می‌شوند و یا کاملاً پاک می‌مانند) هزینه‌ای به دولت تحمیل می‌کند که احتمالاً خیلی کمتر از مالیات دریافتی نیست و اگر دولت می‌خواهد بخش عمده مالیات را از آنچه خودش داده پس بگیرد نیازی به این هزینه نیست و می‌تواند بهمان نسبت از حقوق‌ها بکاهد. مگر اینکه بگوییم بهر حال تعداد شغلی که از این بابت در کشور ایجاد می‌شود، برای کشور مفیدست.

### ۱-۳- دولت و اشتغال

دولت خوب، دولتیست که در آن کودکان، پیرها، معلولین و ناتوانها حمایت شوند و لاقلاً از حداقل امکانات زندگی برخوردار باشند و افراد در سن کار و فعالیت نیز شغل داشته باشند. داشتن شغل فقط درآمد افراد را تأمین نمی‌کند، بلکه شخصیتشان را می‌سازد و منزلتشان را به عنوان انسان بالا می‌برد.

یعنی اگر دولتی بتواند معادل دستمزد انسان‌ها به آنها بدون هیچ کاری پرداخت نماید، بسیار بدتر از دولتی است که حتی با مشاغل غیرضروری این کار را با پرداخت حقوق انجام می‌دهد. با تفصیلی که گفته شد، ظاهراً دولت ایران هم بهمین ترتیب به ایجاد اشتغال چه بطور مستقیم (با پرداخت به کارکنانش) و چه غیرمستقیم با یارانه به کشاورزی و تولید می‌پردازد و حتی با اخذ مالیات از پرداخت‌های یارانه‌ای خود برای گروه کثیر به عنوان کارکنان وزارت دارایی ایجاد کار می‌کند (مثل آن گروه از کارگرانی که بخش دوم آنها یعنی لوله‌گذارها نیامده بودند، ولی کارگران بخش کندن و پرکردن کارشان را می‌کردند).

### ۲- انتفاضه ایران بسوی اقتصاد ملی پایدار

برای رسیدن به اقتصاد بدون نفت اگر بخواهیم گام به گام حرکت نماییم، اولین هدف باید رسیدن به اجتناب از فروش "نفت خام" باشد. اگر این امر ممکن شد، می‌توان به قدم‌های بعدی پرداخت. برای مثال در گام دوم تبدیل نفت پالایش شده به کالاهای بالاتر و همینطور تا آخر.

حالا چرا این هدف قابل دستیابی صد سال است که در ایران دنبال نشده است؟  
مهمترین عامل نگاه دائمی به هدف نهایی و عدم جستجوی راه‌حلهای آغازین بوده است و البته ناهمراهی غربی‌ها، چون برخلاف ما غربیها بخوی می‌دانند که راه ما به هدف نهایی از کجاها باید بگذرد و عملاً در فروش پالایشگاههای (فرآوری نفت خام) به ما خودداری می‌نمایند.

### • چه باید کرد؟

باید نفت را حتماً فرآورد شده فروخت، حتی در مراحل اول اگر فقط به پالایش مقدماتی نفت خام منجر گردد. زیرا لاقط هزینه حمل کمتری پرداخت می‌شود (چون در حالت فروش نفت خام باید هزینه حمل بخشهایی که دور هم ریخته می‌شوند پرداخت) بعلاوه پالایشگاههایی که بتدریج ساخته می‌شوند، می‌توانند به مهمترین موضوع بعدی یعنی ایجاد اشتغال هم کمک کند.

بدین ترتیب محور اول: در جهت آن هدف بزرگ‌نمایی یعنی اقتصاد غیر وابسته به نفت، از عدم صدور نفت خام (حتی در صورتی که فرآورده را از نفت خام ارزانتر بخرند) می‌باشد و ایجاد اشتغال در بخش‌های پالایش و فرآوریهای نفت خام.

محور دوم: رویکرد به صناعی است که مواد اصلی خام آنها نفت است و البته همراه این دو عدم صدور دیگر مواد معدنی به شکل خام و فرآوری نشده نیز باید در دستور کار قرار گیرد.

محور سوم: کمک به ایجاد صنایع ملی است، که باید با حمایت کامل کمرگی صورت گیرد.

ارتقاء کیفی این صنایع را بجای رقابت با کالای خارجی باید با رقابت داخلی دامن زد.

محور چهارم: بازنگری در کشت کشور و حرکت به سوی کشت پایدارست، که نباید از طریق کاهش سطح طبیعی آبهای زیرزمینی و خشک شدن رودها و دریاچه‌ها صورت پذیرد.

محور پنجم: ارتقاء مشاغل دانش پایه، صنایع رایانه‌ای (بخصوص نرم‌افزاری) و دیگر فنون و صناعی است، که مواد اولیه آن نیروی فکری و نفرست و کاملاً می‌تواند با جهان رقابت کند. این محور در واقع اولین شکلی است که جهانی شدن به آن لطمه نمی‌زند، بلکه به آن می‌افزاید.

محور ششم: بهره‌وری از پتانسیل عبوری (ترانزیت) کشور براساس ویژگی‌های جغرافیایی ایران

اقتصاد بدون نفت را باید به سالهای آینده موکول کرد و حرکت قدم‌به‌قدم به سوی آن. وگرنه هدف اقتصاد بدون نفت فقط در سطح شعار در برنامه‌ها وارد شده و نه تنها خودش ممکن نمی‌شود، بلکه امکان برنامه‌ریزی منطقی، واقع‌گرا و صحیح را نیز ناممکن می‌سازد.